

عدل در لغت به معنی "ضد ظلم و جور" تعریف شده است. در اسلام عدل به عنوان یک اصل، خاص ذات پاک کبریایی است. از این رو، ما مسلمانان عدالت را از جمله صفات خداوند می‌دانیم و بشر را در اجرای عدالت قاصر می‌شناسیم. برقراری عدالت با نگهداری حساب اعمال هر یک از افراد و رسیدگی به این حسابها انجام می‌شود، چنانچه در قرآن آمده است "بدرستی که خداوند سریعترین حسابداران و حساب‌برسان است" (سوره الحجرات ۵۲) و نیز آمده است "روز رستاخیز ترازوی درست نهم و کسی هیچ ستمی نبیند و حتی اگر هموزن دانه خردلی باشد آن را به حساب گیریم که ما در حسابگری کاملیم" (سوره انبیاء آیه ۴۹). خداوند بشر را همواره به عدالت امر می‌کند (سوره نحل آیه ۹۰) و می‌فرماید: "چون بین مردم به حکومت خاستید به عدل حکومت کنید" (سوره نساء آیه ۵۸). با این همه بشر هرگز با هیچ قانونی نمی‌تواند عدالت را به طور کامل برقرار سازد؛ آنچه مطرح است میل به سمت عدالت است و جوامعی در این امر موفقتر خواهند بود که بیشتر به سمت آن گام بردارند.

عدل اجتماعی

بشر از دیرباز علیه ظلم و جور مقاومت کرده است. تاریخچه اکثر جنگها و انقلابها گواه بر این مدعا می‌باشد که بشر در آرزوی رسیدن به عدالت اجتماعی تا چه حد مبارزه کرده و در این راه حتی از دادن جان و مال خود دریغ نداشته است. عدالت اجتماعی در واقع برقراری قوانینی است که حقوق انسانی افراد را در نظر گیرد؛ برخی از این حقوق جنبه مفهومی دارند که ورای نژاد، رنگ، جنسیت و ملیت برای انسان در نظر گرفته می‌شوند مانند حق حیات، حق

نقش حسابداری در عدالت اجتماعی

فریده پور رضوان روح
عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)
عضو انجمن حسابداران خبره ایران

طلب علم، حق آزادی، بدیهی است حیاتی که هر فردی در آن به دنبال استفاده از آزادی مطلق و بی حد خود بوده و خواستار آزادی مطلق و همه جانبه، بی هیچ قید و شرطی باشد هرگز برقرار نخواهد شد زیرا این خواسته ضامن سرکوبی اجتماع است. اجتماع مصالح بلندی دارد که ناچار، باید آزادی افراد تا آنجا محدود شود که تعدی به آزادی دیگران نباشد.

عدل اجتماعی به مفهوم عام، حفظ و حراست حقوق مادی و معنوی انسانها را توأمأ در بر دارد، هر چند که در ادوار و نظامهای مختلف، عدالت اجتماعی را به مفاهیم متفاوتی تعبیر نموده‌اند.

رابطه حسابداری و عدالت اجتماعی

حسابداری را فن ثبت، طبقه‌بندی، تلخیص و تفسیر نتایج حاصل از فعالیت‌های مالی بر حسب واحدهای پولی تعریف

نموده‌اند. حسابداری با داده‌هایی مقداری و کمیتهای، آنهم در قالب ارقام پولی سروکار دارد، بنابراین ارتباط حسابداری با عدالت اجتماعی صرفاً بر مبنای داده‌های مذکور می‌باشد. به عنوان مثال حسابداری نمی‌تواند استعدادهای فردی را اندازه‌گیری نماید، بلکه این قبیل استعدادهای زمانی اندازه‌گیری می‌شوند که دستاوردهای متفاوت مالی را به همراه داشته باشند. از این رو هر کس تلاش بیشتری نماید تا داده‌های مقداری بیشتری به دست آورد که قابل اندازه‌گیری بر حسب واحدهای پولی باشد، آنگاه در قلمرو حسابداری قرار می‌گیرد. بنابراین در حسابداری ابعاد مادی عدالت اجتماعی بیشتر مد نظر می‌باشد و ابعاد معنوی کمتر در حسابداری مورد توجه قرار می‌گیرد. حسابداری در برقراری عدالت اجتماعی بر مبنای اقتصاد و مادیات می‌تواند نقش مهمی را ایفا نماید. به طور

کلی دو نوع حسابداری در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد، حسابداری تجاری و حسابداری اقتصادی.

حسابداری تجاری در سطح یک واحد تجاری صورت‌حساب سود و زیان و ترازنامه را تهیه می‌نماید تا حاصل فعالیت واحد تجاری مشخص شود.

حسابداری اقتصادی اصطلاح جامعی است که شامل حساب درآمد و محصول ملی، جدول داده‌ها و ستاده‌های اقتصادی، حساب جریان وجوه، حساب ثروت ملی و ترازنامه ملی است. درآمد ملی، حاصل و نتیجه هزاران فعل و انفعال اقتصادی و تعداد بی‌شماری معاملات اقتصادی است که در پایان دوره مالی یا دوره محاسباتی نشان می‌دهد که چه میزان به موجودی سرمایه کشور اضافه یا از آن کسر شده است. ثروت ملی شامل کلیه منابعی است که در ایجاد کالاها و خدمات سهیم هستند مانند زمین، ذخایر طبیعی، جنگلها، آبها و نیروی انسانی.

حسابداری اقتصادی از تلفیق اقتصاد و حسابداری به وجود آمده و رشته‌ای است که فعالیت‌های اقتصادی جامعه را اندازه‌گیری و برای این فعالیتها صورت‌حساب تهیه می‌کند.

این رشته را در ابتدای پیدایش آن حسابداری اجتماعی می‌خواندند لیکن بعداً با حفظ همان محتوی به حسابداری ملی تغییر نام داد. بنابراین، این رشته از حسابداری می‌تواند رشد و توسعه را اندازه‌گیری نماید، نیازهای متفاوت را با معیاری مناسب تشخیص دهد، برنامه‌ریزی مالی در جهت هدفهای عالی عدالت اجتماعی داشته باشد و عملکرد واقعی را با برنامه‌ریزی انجام شده مورد مقایسه قرار دهد.

اهمیت حسابداری اقتصادی از آنجا مشخص می‌شود که هرگاه اطلاعات و ارقام

مربوط به اقتصاد و جامعه به نحو مطلوب و مناسبی مرتب و منظم شده باشند خودبه‌خود و معمولاً بدون هیچ شرح و تفصیلی گویا و آگاهی دهنده‌اند و اگر درهم و نامنظم باشند بی‌خاصیت می‌گردند. این نکته اساس منطق وجودی حسابداری اقتصادی است، از این رو حسابداری اقتصادی تنظیم صورت حساب عملکردی و اقتصادی و مالی جامعه را به عهده دارد تا تصویر روشنی از میزان، نحوه عمل و کیفیت ارتباط فعالیت‌های اقتصادی جامعه را ارائه دهد.

از آنجا که هدفها و سیاستهای اقتصادی و اجتماعی یک کشور نمی‌توانند مستقل از هم اجرا شوند بنابراین حسابداری نقش پویایی را در سر لوحه این هدفها یعنی عدالت اجتماعی ایفا می‌نماید، به گونه‌ای که لازمه رفاه اجتماعی را رفاه اقتصادی دانسته‌اند. هر گونه برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیم صحیح بر اطلاع و آگاهی از ساختار اقتصادی جامعه و شناخت کافی و وافق از نحوه ارتباط و ترکیب فعالیت‌های اقتصادی مبتنی است.

حسابداری ملی با آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی سروکار دارد که قابل تبدیل به پول باشند، هر چند که یک معیار سنجش در حال تغییر است. به عنوان مثال در ممالک امریکای لاتین تورم قیمت‌ها بسیار شدید است و تغییرات به سرعت و تقریباً روزانه انجام می‌شود به گونه‌ای که آمارها بیانگر تغییر سطح قیمت‌ها هستند نه ابزار سنجش.

ادوارد استفانیک (E. Stepanic) متخصص اقتصاد و برنامه‌ریزی سازمان خواربار و کشاورزی جهان می‌گوید حسابهای مالی، اساسیترین ابزار برنامه‌ریزی، سازماندهی، تحقیق، تعیین هدفها و برنامه‌ریزی در سطح بخشها است. تاریخچه پیدایش حسابداری اقتصادی را سال ۱۹۴۷ قید کرده‌اند، هر چند که قبل از

آن نیز گزارشهای اقتصادی تهیه می‌شد. اما در سال مذکور کمیته آمارشناسان سازمان ملل متحد گزارشی تحت عنوان اندازه‌گیری درآمد ملی و ساخت حسابهای اجتماعی منتشر نمود. این گزارش و ضمیمه آن که توسط ریچارد استون (R. Stone) نوشته شده بود اساس نظامهای حسابداری بین‌المللی را تشکیل داد. وی بعدها در سال ۱۹۸۴ موفق به دریافت جایزه نوبل در اقتصاد گردید.

در ایران قدیمیترین تخمین درآمد ملی در سال ۱۲۶۹ شمسی به وسیله مازور جرالد تالبوت (J. Talboot) انجام شد که برای گرفتن امتیاز تنباکو به ایران آمده بود. وی برای پیشبینی عواید حاصل از امتیاز تنباکو درآمد ملی ایران را پیشبینی می‌کند و حدود ۳۶۰ میلیون ذکر می‌شود. بعدها در سال ۱۳۲۵ شمسی به وسیله شرف نفیسی وزیر دارایی کابینه محمد علی فروغی جهت تنظیم برنامه‌های عمرانی هفت ساله تهیه می‌شود. لذا حسابداری اقتصادی در ایران زمینه‌ای نسبتاً جدید و تازه‌پا دارد. در اواخر دهه ۱۳۳۰ که نخستین قدم برای برآورد درآمد ملی ایران برداشته شد، بیش از هفتاد کشور جهان تخمینهایی مربوط به درآمد و محصول ملی خود را منتشر کرده بودند. پس از آن با جدیت این هدف ادامه یافت که محصول و هزینه ملی به طور سالانه محاسبه و منتشر شود. حسابداری ملی ایران در اصل همان نظام حسابداری ملی پیشنهاد شده از سوی سازمان ملل متحد است که به اقتضای امکانات و محدودیتهای ملی در آن تغییرات جزئی داده شد. به استثنای نخستین محاسبات ملی که مربوط به سال ۱۳۳۸ بوده و در بانک ملی ایران به کمک مستشاران خارجی صورت گرفت از سال ۵۱ واحد مستقلی به نام اداره حسابهای اقتصادی در بانک مرکزی ایران

تاسیس گردیده است. مرکز آمار ایران هم در سال ۵۲ واحد جدیدی تحت عنوان مدیریت محاسبات ملی و امور مالی ایجاد نموده است که در حال حاضر بانک مرکزی و مرکز آمار ایران همه ساله بطور موظف و مرتب حسابهای ملی ایران را تنظیم می‌کنند.

موارد استعمال حسابداری اقتصادی را متخصصان مربوط به شرح ذیر بیان نموده‌اند:

۱- توضیح منظم ساخت اقتصاد - که در آن اطلاعات به نحوی منسجم و منطقی مرتب شده باشد تا حسابهای اقتصادی ابزار مفیدی برای شناخت ساخت اقتصاد جامعه در اختیار گذارد.

۲- تعیین سیاست اقتصادی - برنامه‌ریزی اقتصادی و تعیین سیاستها و اتخاذ تصمیمهای اقتصادی بدون آگاهی از وضع موجود میسر نیست. پیشبینی و تعیین هدفها فقط با داشتن تصویر روشنی از وضع گذشته و موجود جامعه امکان دارد و این همان تصویری است که تنها به وسیله حسابداری اقتصادی به دست می‌آید.

۳- تشخیص کمبودهای آماری - در ارتباط با حسابهای اقتصادی است که وظایف و برنامه‌های آماری کشور تا حدود زیادی معین می‌شود.

حسابداری اقتصادی نحوه توزیع درآمد و ثروت را که در واقع نشاندهنده چگونگی تقسیم عواید، بین عوامل تولید است تعیین می‌کند که پایه و اساس بسیاری از نظریه‌های اقتصادی است. صرف نظر از مباحث نظری مربوط به نظامهای اقتصادی، واقعیت امر این است که توزیع درآمد در بسیاری از جوامع فعلی جهان بسیار ناعادلانه و غیر منصفانه صورت می‌گیرد و اسفبارتر این که این امر رو به تشدید می‌رود و فاصله‌های طبقاتی روز به روز عمیقتر و وسیعتر می‌گردد.

عدالت اجتماعی در واقع برقراری قوانینی است که حقوق انسانی افراد را در نظر گیرد.

سیاستمداران هم از همین جهت به مسئله توزیع درآمد علاقه و توجه دارند و توزیع ناعادلانه آن را از عوامل مهم بی‌ثباتی و بحران می‌دانند و از این رو علاقه دارند که لاقفل نحوه توزیع و میزان اختلاف و خلاصه روند آن را بدانند و نتایج حاصل از آن را به عنوان میزان الحراره‌ای برای تعیین دمای غلیان جامعه مورد استفاده قرار دهند.

در اندازه‌گیری میزان نابرابری توزیع درآمد دو مشکل عمده خودنمایی می‌کند:

مشکل نخست، فقدان یا نارسایی اطلاعات و آمار مورد نیاز است زیرا در اغلب کشورها اولویت به تهیه آمارهای تولید و محصول داده شده و اطلاعات مربوط به نحوه توزیع کمتر در دسترس است. آمارهای تولید اگرچه از جهت توزیع درآمد بر حسب نوع فعالیت مفید هستند لیکن برای مطالعه توزیع درآمد بین اشخاص، مفید فایده نیستند.

مشکل دوم، وجود ابهاماتی در موضوع اندازه‌گیری است. این که چه متغیری باید مورد اندازه‌گیری قرار گیرد مورد توافق عموم نیست و غالباً باید این متغیرها تعریف شوند و شروط و فروضی برای آنها در نظر گرفته شود. مقایسه درآمدها عموماً نتیجه یکسانی با مقایسه هزینه‌ها ندارد؛ مقایسه در روستاها دشوار است بویژه وقتی قرار است جهت سطح رفاه مورد استفاده قرار گیرد و یا در زمینه توزیع رفاه بررسی و مطالعه شود، اختلاف نظرها مشخصتر است. زیرا اندازه‌گیری رفاه بر مبنای سطح درآمد شهرها احیاناً میسر است، لیکن به

کمیت درآوردن فراغت بال و آسودگی خیال روستائیان از مشکلات و دشواریهای شهرنشینی، کار آسانی نیست. درآمد گروههای مشخص یکی از ملاکهای سریع و آسان اندازه‌گیری نابرابری تعیین سهم درصد مشخص یا گروه معینی از افراد در کل درآمد جامعه است. این روش خاصه در حالتی که هدف مطالعه چگونگی توزیع درآمد در مورد یک گروه یا قشر خاص است، مفید واقع می‌شود. مثلاً ممکن است مطالعه شود که به ۱۰ درصد از فقیرترین افراد جامعه چند درصد درآمد اختصاص داده شده است و یا ۵ درصد مرفه‌ترین افراد، چند درصد کل درآمد جامعه را به خود اختصاص داده‌اند.

منحنی لورنز^۱

یکی از نماگرهای متداول برای معرفی میزان نابرابری در توزیع درآمدها، منحنی لورنز است. برای محاسبه منحنی لورنز روی محور طولها در یک دستگاه محورهای مختصات، درصد درآمد گروههای مختلف مردم و روی محور عرضها درصد جمعیتی که درصدهای درآمد را دریافت می‌دارند قرار می‌دهند. اگر توزیع درآمدها به نحوی کاملاً عادلانه صورت می‌گرفت، خط مستقیمی به دست می‌آمد که با زاویه ۴۵ درجه از مرکز مختصات می‌گذشت. در این حالت درصد معینی از جمعیت، به طور متناسب درآمد متناظر خود را دریافت می‌کرد، یعنی مثلاً ۱۰ درصد جمعیت ۱۰ درصد درآمد و ۲۰ درصد جمعیت ۲۰ درصد درآمد ملی و الی آخر را به خود اختصاص می‌داد. اما اگر توزیع غیرعادلانه باشد، یعنی مثلاً درصد کوچکی از جمعیت درصد بزرگی از درآمد را به خود تخصیص دهد به طوری که لاجرم برای اکثریت چشمگیری از جمعیت چیزی باقی نماند، منحنی محدب به دست می‌آید. هر قدر این منحنی از خط حاصل از حالت اول دورتر باشد و یا به عبارت دیگر هر قدر

سطح بین منحنی و خط مزبور بزرگتر باشد، توزیع درآمد غیر عادلانه‌تر است (نمودار شماره ۱).

از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم عمده‌ترین کاربرد حسابهای ملی، تهیه برنامه‌های عمرانی، اقتصادی و عمومی کشور است. تهیه برنامه‌ها باید توسط متخصصان آمار، حسابداری و اقتصاد انجام شود. یکی دیگر از جنبه‌های مهم برنامه‌ریزی براساس حسابهای ملی، برنامه‌ریزی ارزی است که معادل واردات، صادرات وجود داشته باشد و در غیر این صورت به وام خارجی نیاز خواهد بود.

توزیع درآمد جهان

خیل عظیمی از جمعیت جهان تنها در دو کشور چین و هند زندگی می‌کنند که قریب ۳۷ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما ثروتها و منابع طبیعی که در دسترس آنهاست کمتر از ۱۰ درصد منابع و ثروت‌های جهان است. دلایلی که برای این امر می‌توان برشمرد عبارتند از:

الف: توزیع نابرابری منابع طبیعی - جغرافیای سیاسی جهان با جغرافیای اقتصادی آن متناسب نیست و ملاحظات سیاسی در تعیین مرزهای جغرافیایی مهمترین عامل بوده و شیوه استیلا اروپاییان بر سرزمین امریکا و قتل عام و بیرون راندن سرخ پوستان از سرزمین آبا و اجدادیشان نمونه بارز ستمی است که بر مردم این مناطق رفته است. تراکم جمعیت چین، هند، اندونزی و بنگلادش و نظایر آن در مقایسه با منابع و ذخایر طبیعی آنها حاکی از نبود تناسب طبیعی بین حواجی و لوازم زیست است.

ب: مناسبات اقتصادی - امروزه به علت مقاومت و آگاهی ملتها، اشغال نظامی سرزمینهای دیگران و استقرار ارزشهای استعمارگر در خاک ممالک ضعیف، کمتر

شده است. از این رو استعمار لباس تازه به تن کرده و آنچه امپریالیسم نامیده می‌شود موجب شده صدور سرمایه و استقلال سیاسی کشور تحت سلطه اقتصادی امپریالیستی قرار گیرد و حاصل دسترنج ملت فقیر و زیر سلطه به طور مستقیم و غیر مستقیم به خارج از کشور یعنی به مقرر اصلی سرمایه سرازیر شود که شکاف درآمدی را عمیقتر می‌کند.

ج: رشد جمعیت - رشد جمعیت در کشورهای پیشرفته صنعتی حدود ۰/۷ درصد در سال است در حالی که در کشورهای توسعه نیافته دو تا سه درصد می‌باشد. طبق آمار، ۴۷ درصد از کل جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که محصول ناخالص داخلی سرانه‌شان کمتر از ۲۵۰ دلار در سال است. ۲۶ درصد از جمعیت در کشورهایی با درآمد سرانه بالاتر از ۵۰۰ دلار قرار دارند و ۴۷ درصد افراد جهان کمتر از ۵ درصد درآمد را دریافت می‌دارند.

یکی از دلایل نبودن وجود عدالت اجتماعی، نابرابری توزیع درآمد است چرا که جمع انباشت ثروت خود نتیجه درآمد مازاد بر مصرفی است که طبقات مرفه‌تر جامعه طی سالیان متمادی به دست آورده‌اند.

توزیع درآمد در ایران

توزیع درآمد یکی از معضلات مبتلا به تقریباً تمامی ممالک جهان است و ایران نیز از این امر مستثنی نیست (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۱ - توزیع درآمد در جهان

محصول سرانه	درصد جمعیت در صد درآمد
کمتر از ۲۵۰ دلار	۴۷ ۴/۸
بیش از ۲۵۰ تا ۵۰۰ دلار	۲۶/۵ ۱۶/۷
بیش از ۵۰۰ دلار	۲۶/۱ ۷۸/۵

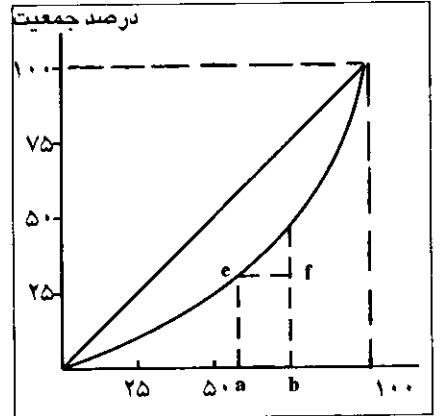
رژیم سابق ایران تمامی هم خود را مصروف حداکثر کردن رشد تولید نموده بود، با این استدلال که این امر نه تنها رفاه مادی کل جامعه را بالا می‌برد بلکه در بلند مدت موجب می‌شود توزیع درآمد نیز تعدیل و تصحیح شود. لیکن تجربه غالب ممالک در حال توسعه و از جمله ایران بطلان این نظریه را اثبات کرده است که رشد اقتصادی به خودی خود نه تنها مشکل توزیع درآمد را حل نمی‌کند بلکه دشواریهای اقتصادی و اجتماعی موجود را تشدید نموده و معضلات جدیدی نیز می‌آفریند.

نتیجه

همان طور که آورده شد، حسابداری تجاری نتیجه فعالیت‌های تجاری هر موسسه را اندازه‌گیری می‌نماید و از این رو درآمد مشمول مالیات آنها را تعیین می‌کند که اگر به صورت صحیح انجام شود باعث می‌گردد تا مالیات نیز به صورتی منظم و منطقی

جدول شماره ۲ - شاخص نابرابری توزیع درآمد

سال ۶۳	سال ۶۲	سال ۵۶	
۱۳/۲۶	۱۳/۱۷	۱۱/۳۰	سهم ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد
۳۷	۳۶/۹۰	۳۰/۹۹	سهم ۴۰٪ خانوارهای با درآمد متوسط
۴۹/۷۴	۴۹/۹۲	۵۷/۷۱	سهم ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد



درصد درآمد

گرفته شود، و حسابداری فعالیتهای اقتصادی سطح درآمد و هزینه جامعه را اندازه گیری می نماید که قسمت عمده این درآمد مالیات مکتسبه می باشد. لازمه عدالت اجتماعی آن است که توزیع درآمد صرف مسایل رفاهی و اجتماعی گردد. بدون وجود حسابداری هرگز درآمد خالص مشمول مالیات افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی و در سطح کل جامعه درآمد و هزینه کشور مشخص نمی گردد. از مفهوم درآمد ملی بحث توانایی و بنیه اقتصادی جامعه به ذهن متبادر می گردد که بدون تشخیص و اندازه گیری دقیق آن بالطبع برای مصرف آن نمی توان برنامه ریزی صحیح نیز انجام داد. کارشناسان حسابداری ملی ممالک آسیایی در یک گردهمایی که در سال ۱۹۷۱ به ابتکار سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا ترتیب یافت نتیجه گرفتند که مسئله اصلی در راه توسعه حسابهای ملی در این ممالک، فقدان آمارهای اساسی است و تنظیم حسابها بیش از حد متکی به حدس و گمان و یا دست بالا متکی به اطلاعات و ارقام قدیمی است. بنابراین آنچه در جامعه ما بیش از پیش لازم است پیشرفت و توسعه حسابداری اقتصادی است، به گونه ای که بتوان به اطلاعات و ارقام آن متکی بود و درآمدها، هزینه ها و نیازهای

واقعی را شناسایی نمود و براساس نیازها، درآمد را تخصیص داد تا امکانات رفاهی اجتماعی فراهم شود، مدارس ساخته شوند، پلها زده شوند، بیمارستانها احداث شوند، به محرومان کمک شود، و با تاسیس کارخانه ها و ایجاد مراکز صنعتی ایجاد اشتغال گردد. در این میان سیستم بانکداری نیز می تواند به گونه ای موثر در برقراری عدالت اجتماعی نقش عمده ای را ایفا نماید به گونه ای که وام و تسهیلات اعتباری در اختیار کشاورزان و متخصصان قرار گیرد و بتوانند آن را در طرحهای عمرانی و فعالیتهای تولیدی به کار گیرند.

با برقراری سیستمهای صحیح مالی و تهیه جدولها و آمارهای مفید و به موقع، نه تنها درآمد خالص ملی نمودار می گردد و نیازهای اجتماعی به سرعت و سهولت شناسایی می شود، بلکه پس از تخصیص منابع مذکور با نگهداری حسابها می توان از حیف و میل و اختلاسهای احتمالی مبالغ تخصیص یافته به پروژهها و طرحهای مختلف و نیز از بروز ضایعات غیر متعارف جلوگیری نمود.

از آنچه گفته شد اهمیت حسابداری، خصوصاً حسابداری اقتصادی در برقراری عدالت اجتماعی درک می گردد. بدین لحاظ است که حسابداری اقتصادی را حسابداری اجتماعی نیز می گویند و شاید اطلاق حسابداری اجتماعی به این رشته بی مناسبت نباشد زیرا جامعیت آن برای در بر گرفتن تمامی جنبه های زندگی اجتماعی انسان، که اقتصاد جزء لاینفک آن است بیشتر خواهد بود.

خلاصه اینکه اکنون موضوعاتی نظیر توزیع درآمد، اشتغال، رفاه اجتماعی و جنبه های کیفی و کمی دیگر بتدریج جای بیشتری را در مطالعات حسابداری اقتصادی به خود اختصاص می دهند و جادارد مسئولان امر در جهت ارتقای این رشته

هرچه بیشتر کوشا باشند تا زمینه های برقراری عدالت اجتماعی مهیا گردد.

فهرست مهمترین منابع و ماخذ

- ۱- حسابداری اقتصادی: مولف آقای حسن گلریز انتشارات پیشبرد
- ۲- عدالت اجتماعی در اسلام: قم کتاب فروشی مصطفوی
- ۳- طرح گسترده اقتصاد اسلامی: ترجمه فخرالدین شوشتری، تهران، بدر ۱۳۵۹
- ۴- حمایت از فقرا، تازه های اقتصاد ۳۷ - ۱۳۷۳ ص ۶۲ - ۵۸
- ۵- سمینار قانون اساسی - تعاون و عدالت اجتماعی - تعاون دوره جدید ل ۱۳۷۴ ص ۲۰ - ۷
- ۶- فقر و ثروت در آسیا - تازه های اقتصاد شماره ۴۶ - ۱۳۷۴ ص ۳۸ - ۳۶
- ۷- گامی در مسیر پژوهش زیرساز در اقتصاد اسلامی: ترجمه از بیات شوشتری، تهران، روزبه ۱۳۵۴
- ۸- اقتصاد در مکتب اسلام: کار سرمایه، ابزار تولید، مقدمه و پاورقی از علی حجتی کرمانی، تهران، جهان آرا
- ۹- توحید و عدل و عدالت اجتماعی: محسن قرائتی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۴۷، قم
- ۱۰- قانون اساسی - تعاون، عدالت اجتماعی تعاون دوره جدید ۴۹ - ۱۳۷۴ ص ۲۵ - ۲۴
- ۱۱- عدالت اجتماعی "مسائل اقتصادی" قم امام صادق (ع)، ۱۳۶۸، علی اکبر هاشمی رفسنجانی
- ۱۲- وابستگی جهان سوم (تحلیلی نظری) حمید البیاسی، موسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴
- ۱۳- اقتصاد کشورهای کم توسعه - بائر پترو بازیلیای، ترجمه علی اصغر هدایتی، تهران، امیر کبیر ۱۳۵۹
- ۱۴- امپریالیسم و اقتصاد جهان سوم، فضل الله نیک آئین، قسمت چهل و سوم روزنامه اطلاعات ۶/۴/۶۴
- ۱۵- مشکلات اقتصادی جهان سوم، عبدالناصر همتی، تهران، سروش، ۶۶
- ۱۶- مجله تحقیقات اقتصادی
- ۱۷- ماهنامه بررسیهای بازرگانی

۱- Lorenz آمارشناس امریکایی که اولین بار منحنی مذکور را برای اندازه گیری میزان نابرابری پیشنهاد نمود و این منحنی به افتخار او به همین نام مشهور شده است.